

# مصائب مسیح

هم عذاب مادی و هم عذاب روحی. در پایان جسم زوال یافته مسیح را باید از نگاه اشعاعی نبی که خادم رنج دیده را چنان توصیف کرده که به سبب کبودی غیرقابل تشخیص بود، بنگریم.

زیبایی چهره جیم کوپزل به تأثیر کلی زوال تدریجی چهره مسیح در مقابل ما می‌افزاید. تضییع چهره‌ای که سرانجام مانند خادم رنج دیده هیبت و یا منظری نداشت که به آن بنگریم و هیچ زیبایی‌ای که به آن علاقمند شویم [اشعاع ۵۳: ۲]. چشم با ایمانی می‌خواهد دریابد که زوال جسم مسیح، مظهر زوال معنوی و بی‌نظمی ناشی از گناه است.

تصاویر گیسون از نازیبا خوردن مسیح - که بسیاری از تماشاچیان شاید نگاه خود را از آن برگردانند - ترسیم چیزی است که در رساله دوم پولس رسول به قرنتیان آمده است: "به خاطر ما، او [خدا] او [مسیح] - که هیچ گناهی را نمی‌شناخت، گناهکار کرد، تا شاید در وجود او ما به پرهیزگاری خنای برسیم" [۵: ۲۱]. هنگامی که جسم زوال یافته مسیح را در این فیلم می‌بینید، مفهوم گناه را درک می‌کنید.

**● طی سال‌ها، کارگردانان بسیاری سعی کرده‌اند درباره مسیح یا مصائب او فیلم بسازند. آیا فیلم مل گیسون که شما را تحت تأثیر قرار داده، بالاخص بدیع نیست؟**

- من منتقد فیلم نیستم. منتقدان باید فیلم گیسون را با آثار بزرگ دیگر درباره زندگی و مصائب مسیح مانند آثار یازولینی و زفیرلی مقایسه کنند. مل گیسون مانند فیلسازان دیگر ادراک هنری منحصر به فرد خود را موضوع کار قرار داده و از این زاویه فیلم او کاملاً بدیع است.

البته، "مصائب مسیح" پیش از فیلم‌های دیگر این ژانر، روی رنج‌ها و مرگ مسیح متمرکز است اما به‌عنوان واکنش اولیه، سه چیز کاملاً متمایز در فیلم گیسون مرا جلب کرد. نخست چهره شیطان که در پس‌زمینه و گاه پیش‌زمینه پره می‌زند و حضوری مستمر، تهدیدآمیز و خوفناک دارد. فیلم دیگری سراغ ندارد که این کار را با چنین تأثیر شگرفی به انجام رسانده باشد.

موضوع دیگر، تنهایی مسیح است. فیلم به خوبی نشان می‌دهد با وجود آن توده مردم که مسیح را احاطه کرده‌اند، او

تخیلی و هنری است. او عناصری از روایت‌های متی، مرقس، لوقا و یوحنا را درباره رنج مسیح به کار برده است، اما به‌ساختار اصلی مشترک بین چهار روایت وفادار است و در بازسازی تخیلی رنج‌های مسیح، فیلم گیسون کاملاً به عهد جدید وفادار است.

**● چه چیزی در فیلم پیش از همه شما را تحت تأثیر قرار داد؟**

- شما پاسخ ساده‌ای می‌خواهید؟ جیم کوپزل و مایا مورگنسترن، بازی نقش مسیح، باید یکی از دشوارترین نقش‌های نمایشی باشد. من شدیداً تحت تأثیر ژرفای چهره‌ای که کوپزل از مسیح خلق کرده بود، قرار گرفتم. بدون خودآگاهی مضاعف انجام چنین کاری سهل و آسان نیست.

کوپزل و به یقین گیسون نیز دریافته‌اند که عیسی فرزند مقدس و تجسد یافته خداوند و به هر حال تماماً انسان است. کوپزل این نکته را قاطعانه و به صورتی مؤثر به ما منتقل می‌کند که مسیح به‌اراده خود، در اطاعت از پدر خود و به خاطر ارضای حس اطاعت نکردن از گناه متحمل مصائب و مرگ می‌شود. در این فیلم شاهد چیزی هستیم که کلیسا آن را "رنج‌های اختیاری" می‌خواند.

کلام پولس مقدس را به یاد بیاورید: تنها نافرمانی یک انسان [از خداوند] موجب گناهکاری همگان می‌شود، پس با فرمانبرداری یک تن، همه درستکار می‌شوند [نگاه کنید به رومیان، ۵: ۱۹]. و این صرفاً درباره فرمانبرداری نیست. اساساً درباره عشق است. مسیح آن را به خاطر عشق به پدرش و به ما، تحمل می‌کند. به لحاظ نمایشی، مطلقاً تردیدی نیست که جیم کوپزل موفق شده در این فیلم عیسی را به بهترین وجه مجسم کند.

اما مریم مایا مورگنسترن نیز به همان اندازه قدرتمند است و گفته‌های سنت اسلم [Saint Aslam] را در خطاب‌های درباره مادر مقدس به خاطر هم می‌آورد: بدون پسر خدا، هیچ چیز نمی‌توانست وجود داشته باشد و بدون پسر مریم، هیچ چیز نمی‌توانست نجات یابد.

با تماشای مورگنسترن در نقش مریم، این حس قوی به ما دست می‌دهد که مریم پسرش را آزاد می‌گذارد تا بتواند ما را نجات دهد و با پیوستن به مصائب او، مادر تمام نجات‌یافتگان می‌شود.

**● در برخی گزارش‌ها آمده است که فیلم بسیار خشن است. نظر شما چیست؟**

- به آن اندازه که وحشیانه است، خشن نیست. با مسیح وحشیانه رفتار می‌کنند، به ویژه سربازان رومی، اما خشونت غیرموجه وجود ندارد. گیسون به وضوح تحت تأثیر تصویر مصائب مسیح در نقاشی‌های غرب بوده است. زوال ظاهری جسم مسیح که در این فیلم به‌صورت گرافیکی عالی نشان داده شده، باید در بستر این تصاویر هنری قرار گیرد. گیسون می‌خواهد چیزی را که بسیاری از هنرمندان می‌گویند، به ما نشان دهد.

گیسون به شیوه‌ای کاملاً منطقی با ست‌الهیات مسیحی به‌صورت نمایشی، پسر مجسد را به ما نشان می‌دهد که می‌خواهد بازی را بر دوش کشد که یک انسان عادی نمی‌تواند.

چند تن از مقامات عالی‌رتبه واتیکان که در اکران خصوصی فیلم "مصائب مسیح" اثر مل گیسون حضور داشتند بسیار تحت تأثیر آن قرار گرفتند.

اعضای دبیرخانه دولتی واتیکان، شورای اسقفی برای ارتباطات اجتماعی، سازمان کلیسای ایمان و گروهی که به پرسش‌های مکتبی این کاتولیک‌رسیدگی می‌کند تحسین، ستایش و تأیید هماهنگی از فیلم به عمل آوردند.

مطلب زبر، گفته‌گویی است یا پدر آگوستین دی نویتا، معاون سازمان کلیسای ایمان که تحت نظر کاردینال جوزف راتزنگر فعالیت می‌کند. این مقام عالی‌رتبه واتیکان دیدگاه‌های خود را درباره فیلم جنجال برانگیز مل گیسون توضیح داده است.

**● فیلم "مصائب مسیح" بسیار پیش‌تر از زمان مقرر برای اکران آن، در این حدخبرساز شد، به‌عنوان یکی از معدود افرادی که آن را دیده است، برداشت کلی شما از فیلم چیست؟**

- تماشای این فیلم برای بسیاری از مردم تجربه مذهبی عمیقی خواهد بود. برای من نیز همین‌طور بود. هر کس فیلم را تماشا کند معتقد یا غیرمعتقد، ناگزیر با راز درونی رنج‌های مسیح آشنا می‌شود.

کنشیش آرس (Cure of Ars) در جایی گفته است هیچ‌یک از ما نمی‌تواند درک کند و با توضیح دهد عیسی مسیح چه مصائبی را به خاطر ما تحمل کرده است؛ برای درک آن، باید تمام غلبله‌ای را که از گناه می‌کشید، بشناسیم و ما آن را نخواهیم دانست مگر در ساعت آخر زندگی مان.

فیلم مل گیسون به ما کمک می‌کند تا چیزی را فراتر از قوه ادراک خود به چنگ آوریم. در آغاز، در باغ جتسمانی، شیطان با این پرسش اجتناب‌ناپذیر مسیح را وسوسه می‌کند: چگونه کسی می‌تواند بار گناهان همه عالم را بردوش بکشد؟ مسیح تقریباً ز تصور آن خود را پس می‌کشد اما سپس متقاعد می‌شود که دقیقاً با اراده پدرش [پروبر دگارش] بار گناهان تمام عالم را به دوش کشد و این بسیار حیرت‌آور است.

حس قدرتمندی از صحنه چپایی که ما نیز بخشی از آن هستیم در سرتاسر فیلم حاضر است. هیچ‌گونه احتمال بی‌طرفی وجود ندارد. هیچ‌کس نمی‌تواند در سیر این رویدادها فقط تماشاگر باشد. نشانه‌ها واقعاً بسیار عالی هستند.

در این فیلم از کوه زیتون به کوهستان‌های جلگه، تماشاجی با اشراق به بازیگران می‌پیوندد.

**● آیا فیلم به روایت مصائب مسیح در عهد جدید وفادار است؟**

- به خاطر داشته باشید که از مصائب مسیح در عهد جدید چهار روایت وجود دارد که عمدتاً هدفشان ارائه مفاهیم مذهبی این وقایع است.

در "مرگ مسیح" - که شاید کامل‌ترین و متناسب‌ترین مطالعه مکثوب درباره رنج‌های مسیح باشد - پدر ریچارد براون نشان داد که با وجود برخی تفاوت‌ها، بین این روایت‌ها هماهنگی کلی وجود دارد.

فیلم مل گیسون، یک فیلم مستند نیست، بلکه اثری



# به روایت گیسون

در تحمل مصائب دشواری و واقعاً تنهاتم

و سرانجام آنکه شام آخر یا استفاده از چند فلاش یک آمیخته با حرکت فیلم ترسیم شده است. مسیح پس از تحمل ضربات تازیانه روی سنگفرش آغشته به خون افتاده و باهای خون آلود یکی از سربازان را می بیند و در اینجا فیلم به مراسم شستن باهای بیرونش در شام آخر فلاش یک می کند. فلاش یک‌های مشابهی در سرتاسر فیلم ما را به تکه تکه کردن نان و نوشیدن فنجان [شراب] بر می گرداند. تماشای با چشمان مسیح و او می بیند که می گوید این جسم من است و این خون من است. به این ترتیب مفهوم قربانی شدن و عشای ربانی تصلیب مسیح از طریق این فلاش یک‌های مکرر ترسیم می شود.

نوعی تعقل قوی کاتولیکی در اینجا کار دیده می شود. پاپ ژان پل دوم در بحثنامه اخیر خود درباره عشای ربانی می گوید مسیح یادبود مصائب و مرگ خود را پیش از تحمل آنها بنا نهاد به هنگامی که در انتظار قربانی کردن واقعی صلیب بود. در خلافت هرمندانه گیسون، مسیح حتی جن قربانی شدن که آن را جلودانه می کند شام آخر را به خاطر می آورد.

برای بسیاری از کاتولیک‌ها که این تصاویر را تماشا می کنند شام آخر دیگر مانند همیشه نخواهد بود. در هر صورت صرفنظر از موضوع اصالت و بدیع بودن، فیلم مل گیسون بدون تردید یکی از بهترین هاست.

## ● آیا مصائب، کسی را به خاطر آنچه بر مسیح نازل شد، ملامت می کنند؟

- پرسش بسیار جالب و دشواری است. تصور کنید شما این پرسش را برای کسی که با روایت‌های انجیل از مصائب [مسیح] تا پیش از دیدن فیلم آشنا نبوده، مطرح کنید.

شما می پرسید: چه کسی را باید به خاطر آنچه برای مسیح پیش آمد ملامت کرد؟ مخاطب اندکی به فکر فرو می رود و سپس پاسخ می دهد: همه مقصر بودند، مگر نه؟ به نظر من پاسخ صحیحی است. اگر دقیقاً از زاویه نمایشی به مصائب نگاه کنیم، آنچه در فیلم روی داده، آن است که هر یک از شخصیت‌های اصلی به طریقی در تعیین سرنوشت مسیح سهیم بودند. یهو! به او خیانت می کنند، بهترین او را متهم می کنند [خوابون] او را ترک می کنند، بطرس آشنایی

با او را انکار می کند، هیرودیس او را بازیچه قرار می دهد؛ پیلطس اجازه می دهد او را محکوم کنند؛ جمعیت او را تمسخر می کنند؛ سربازان رومی او را تازیانه می زنند، وحشیانه رفتار می کنند و سرانجام او را مصلوب می کنند و شیطان به نوعی در پس تمام این حرکات است.

از میان تمام شخصیت‌های داستان، شاید فقط مریم بی‌تقصیر باشد. فیلم گیسون این ویژگی روایت‌های مصائب را به خوبی عرضه کرده است. هیچ شخصی با گروهی از اشخاص، مستقل از دیگران مقصر نیستند، همه مقصرند.

## ● آیا منظور تان این است که هیچ شخص خاصی مسؤول مصائب و مرگ مسیح نیست؟

- بله، فکر می کنم منظور همین است، البته در مفهوم نمایشی. اما، مل گیسون از دیدگاه خداشناختی نیز روش مؤثری را برای عرضه این عنصر مهم در فهم مسیحی مصائب و مرگ مسیح برگزیده است.

روایت حاکی از آن است که چگونه گناهان تمام این مردمان دست به دست هم می دهد تا مصائب و مرگ مسیح پدید آید و در نتیجه این حقیقت بنیادین را بیان می کند که همه ما قابل سرزنش هستیم. گناهان آنها و گناهان ما مسیح را به صلیب می کشاند و او آنها را با رغبت تحمل می کند.

و به همین علت است که همواره سوعبرداشت‌های جدی از داستان‌های مصائب در انجیل دیده می شود که یا به منظور مقصر دانستن یک نفر یا یک دسته است و یا اساساً به خاطر مستتار کردن خود از این تقصیر است. مشکل مورد اخیر آن است که اگر من یکی از مقصران نیستم، پس چگونه می توانم از صواب صلیب بهره مند شوم؟

بیتی از سرود کریسمس به خاطر آمدن تا هر جا که فلاکت گسترده است، رحم و لطف او نیز جاری می شود. باید بپذیریم که اگر می خواهیم در نیایش‌های او گنجانده شویم، گناهان ما نیز در میان گناهانی است که او تحمل کرد. پندران را ببخشای زیرا نمی دانند چه می کنند. ما اصلاً دلمان نمی خواهد از شمول این دعا خارج شویم.

به این ترتیب خواننده مسیحی دعوت می شود تا جایگاه خود را در این نمایش رستگاری بیابد. در قرآنت‌های عمومی و باشکوه روایت‌های مصائب [مسیح] در آیین‌های عشای ربانی کاتولیک در هفته مقدس، هنگامی که حاضران نقش جمعیت را [در زمان تصلیب مسیح] به خود می گیرند و می گویند: مصلوبش کنید. این موضوع کاملاً روشن است.

این آیین به صورتی تناقض آمیز به ما کمک می کند تا این فریادهای به عبارتی وحشتناک را به عنوان نیایش ادا کنیم. طبیعتاً ما نمی خواهیم مسیح مصلوب شود، اما می خواهیم که از گناهان مان رهایی یابیم. از منظر ایمان، حتی رفتار بی‌رحمانه‌ای نظیر بگزار خون او بر سر ما و فرزندان ما باشد، نه به عنوان نفرین، که به عنوان دعا تلقی می شود.

دقیقاً آنچه ما می خواهیم و آنچه مردم گردآمده در مقابل پیلطس ناآگاهانه می خواستند، طبق آنچه در کتاب مکاشفات آمده است، آن است که در خون بره شست‌وشو داده شویم.

## ● مناقشه بسیاری بر سر اتهام ضدسامی یا ضدیهودی فیلم بر پا شد. ممکن است نظر خود

## را در این باره بگویید؟

- در مقام یک مثابه کاتولیک، باید هر گونه موضع ضدسامی یا ضدیهودی را در روایات مصائب و مرگ مسیح محکوم کنم و این تنها به سبب خشونت‌های فجیعی که به همین دلایل علیه یهودیان روا شده نیست بلکه به این دلیل است که این نکته حاکی از قرآنت بسیار نادرست از روایات مصائب است اما بگذارید به پرسش شما پاسخ صریحی بدهم. در فیلم مل گیسون هیچ ویژگی ضدسامی یا ضدیهودی وجود ندارد. جای تأسف است که کسانی که فیلم را ندیده‌اند و فقط نسخه‌های اولیه سناریو را بررسی کرده‌اند اتهام ضدیهودی بودن مصائب مسیح را مطرح کرده‌اند. یقین دارم به محض آنکه فیلم اکران شود و مردم آن را تماشا کنند اتهام ضدسامی به سادگی ناپدید خواهد شد.

فیلم در نشان دادن نقش مقامات یهودی و روال قانونی محکومیت مسیح نه مبالغه می کند و نه آن را تاجیز می انگارد، اما دقیقاً به خاطر آنکه حکایت مسوطی از آنچه محاسبه تقصیرات در مصائب و مرگ مسیح خوانده می شود، ارائه شده، بیشتر ممکن است حس ضدسامی را در تماشاگران نه تحریک، بلکه سرکوب کند.

از منظر دین شناسی، حتی نکته مهم‌تر آن است که فیلم آنچه را که میلفان مسیحی و کلیسا همواره به روشنی دریافت‌اند منتقل می کند: آنچه مسیح در سفر خود از جتسمانی به جلاجتا و فراتر از آن تجربه می کند، بدون میثاق خلوند با [قوم] اسرائیل نامفهوم می شد.

چارچوب نظری فیلم را تقریباً تاریخ و ادبیات پیامبران و قهرمانان، داستان‌ها و افسانه‌ها، نماها، آیین‌ها و رعایت آنها و سرانجام کل فرهنگ یهودیت تشکیل می دهد.

و این چارچوب است که اساساً نیاز طبیعی به رضایت و رستگاری را در مقابل گناه انسان و جبر مصلوب خلوند برای ارضای این نیاز به صورتی مفهوم و ملموس می نمایاند. فیلم گیسون به دور از هر گونه تلاش برای خلق حس ضدسامی یا ضدیهودی، تماشاگران خود را بر آن می دارد تا فهم خود را از این بستر ضروری مصائب و مرگ عیسی ناصری، خادم رنج‌دیده ژرفا بخشند.

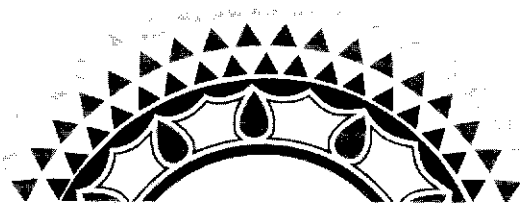
## ● این فیلم چه تأثیری خواهد داشت؟

- شما می‌توانید که در سرتاسر تاریخ مسیحیت، از مؤمنان دعوت شده درباره مصائب مسیح تأمل کنید. ویژگی روحانی قدیترین بزرگی نظیر سنت فرانسیس، سنت دومینیک، سنت کاترین سینا به دلیل تعلقات آنها به مصائب مسیح بوده است. چرا چنین است؟ زیرا تشخیص دادند که راه مطمئن‌تری برای برانگیختن عشق از قلوب انسان‌ها که حتی به عشق خلوندی که پرسش را به خاطر ما فنا کرد، پاسخ می دهد، وجود ندارد.

من معتقدم فیلم مل گیسون مردم را به این گونه از عشق رهنمون خواهد شد. اگر با تماشای این فیلم فوق‌العاده و ژرفای سنجش‌ناپذیر این عشق الهی که فیلم روی صحنه تصویر می کند، قلبتان حرکت نکند، پس باید از جنس سنگ باشد.

ترجمه: سحر کریمی





## تکاپوی جهانی در گرامیداشت زرتشت



هنگامی که امام علی رحمانف، رئیس‌جمهور تاجیکستان در نوامبر سال ۲۰۰۲ (آبان ۱۳۸۱) به عنوان مهمان دولت فرانسه، در حال بازدید رسمی از پاریس بود، همزمان کنفرانسی در پاریس با پشتیبانی انجمن ایرانیان تبعیدی در پاریس برگزار شد که در آن چند تن از دانشگاهیان و محققان ایرانی نیز از جمله دکتر مسعود میرشاهی (رئیس انجمن رودکی در پاریس) و پروفیسور جمشید پروناخان (رئیس انجمن احیای فرهنگ ایران باستان) حضور داشتند.

هرچند مطابق قوانین دولت فرانسه، رؤسای کشورهای خارجی در سفر به فرانسه نمی‌توانند با گروه‌های خصوصی دیدار کنند، اما تنها مکان برای ملاقات با رئیس‌جمهور تاجیکستان، ساختمان یونسکو در پاریس بود که در همانجا ایرانیان و علاقمندان به دین زرتشت با او دیدار کردند و از وی خواستند تا به عنوان رئیس‌جمهور یک کشور از یونسکو تقاضا کند سال ۲۰۰۳ را به عنوان سه‌هزارمین سالگرد فرهنگ زرتشتی تعیین کند. با موافقت یونسکو، سال ۲۰۰۳ میلادی مراسم و آیین‌های بزرگداشتی به این مناسبت در نقاط مختلف دنیا برپا شد که در ادامه به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود.

\*\*\*

تاجیکستان این مراسم را که قرار بود، نوروز سال ۱۳۸۲ برگزار شود با درخواست برخی افراد چهاردهم شهریور ماه سال ۱۳۸۲ برگزار کرد و وزارت فرهنگ تاجیکستان رأساً متولی این برنامه شد.

این برنامه با دعوت از محققان و میهمانان خارجی (غالباً غیرزرتشتی) از کشورهای آلمان، آمریکا، پاریس و هلند همراه بود که در آن علاوه بر سخنرانی‌های محققان درباره فرهنگ زرتشتی، سه عنوان کتاب نیز منتشر شد. کتابی از سروده‌های اشوزرتشت، کتابی درباره یشت‌ها و مجموعه‌ای شامل تصاویر رنگی مربوط به امشاسپدان که در حفاری‌های آتشدادهای قدیمی در تاجیکستان یافت شده بود.

این مراسم با اجرای یک نمایش با عنوان "پیام زرتشت" و ابرای "رستم و سهراب" خاتمه یافت.

گفتنی است که در خلال این مراسم امکان احداث مرکز فرهنگی زرتشتیان شامل آتشداده، سالن

در آمریکا از سال ۱۹۸۷ فدراسیونی با عنوان "فدراسیون انجمن‌های زرتشتی شمال آمریکا" شکل گرفته که شامل بیش از ۲۴ انجمن زرتشتی و ۲۵ هزار عضو است و اغلب فعالیت‌های انجمن‌های زرتشتی در قالب برنامه‌های بین‌المللی با کمک این فدراسیون انجام می‌گیرد.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا یک فستیوال سه روزه شادی از ۲۱ تا ۲۹ دسامبر در مرکز همایش‌های شهر ارنج برگزار کرد که در آن موضوع "ایران باستان و اخلاق زرتشتی و مسائل جهان امروز" محور مباحث بود و به چهار زبان انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و فارسی ارائه می‌شد. پیش از این مراسم هم پنجم سپتامبر ۲۰۰۳ کالج آنزادر کاپرتینوی کالیفرنیا میزبان پروفیسور فرهنگ مهر نویسنده و محقق زرتشتی و رئیس سابق دانشگاه شیراز بود که به ایراد سخنرانی پرداخت.

انجمن زرتشتیان شبکاگو با همراهی پارلمان جهانی ادیان و کالج کلمبیا، نخستین فستیوال بین‌المللی فیلم زرتشتی را با عنوان "باورهای ما، تاریخ ما و فرهنگ ما" برگزار کرد.

انجمن زرتشتیان نیویورک هم مجلسی با حضور دکتر فرهنگ مهر، پروفیسور کیخسرو ایرانی و دکتر علی جعفری با موضوع نفوذ زرتشتیان در سایر فرهنگ‌های جهان ترتیب داد که درحاشیه آن نمایشگاه کتاب‌های زرتشتی و مراسم آیینی نیز برگزار شد و بالاخره انجمن زرتشتیان واشنگتن هجدهم نوامبر در کلیسای جامعه این شهر مراسم موسیقی بین‌الادیان را برگزار کرد.

\*\*\*

در انگلیس هم یک CD به بازار عرضه شد که در آن یکی از موبدان ارشد اروپا گات‌ها را خوانده بود و ترجمه انگلیسی گات‌ها نیز در آن وجود داشت. این CD همراه یک کتاب شامل عکس‌هایی از زرتشتیان و فرهنگ زرتشتی نیز منتشر شد.

\*\*\*

شهرهای تورنتو و ونکوور کانادا هم شاهد برنامه‌هایی از این دست بود. در تورنتو "خانه جوانان" با همکاری سازمان‌های موسوی سی‌ام نوامبر جشنی برگزار کرد که در حاشیه آن نمایشگاهی از آثار صنایع دستی ایران برپا شد.

در ونکوور یازدهم اکتبر، فستیوال موسیقی مهرگان شامل موسیقی سنتی و موسیقی مقامی در کالج کاپیلیانو برگزار شد.

\*\*\*

در کشورهای سنگاپور، هنگ کنگ، سوئد و استرالیا نیز مراسمی از این دست برگزار شد.

کتابخانه و محلی برای برگزاری جشن‌ها با جذب کمک‌های مالی فراهم شد.

\*\*\*

در هندوستان که جمعیت قابل‌توجهی از پیروان زرتشت در آن زندگی می‌کنند، مراسم قابل‌توجهی برگزار شد.

این مراسم دهم جولای ۲۰۰۳ در شهر دهلی توسط دبیرکل یونسکو با افتتاح نمایشگاه پارزور آغاز شد که به دنبال آن سمیناری با موضوع اخلاق زیست‌محیطی و زرتشت برپا و فیلمی با عنوان "فرهنگ زرتشتی - یک احیای مجدد" نمایش داده شد، مراسم سرود و رقص‌های دسته‌جمعی نیز از دیگر برنامه‌های آن بود.

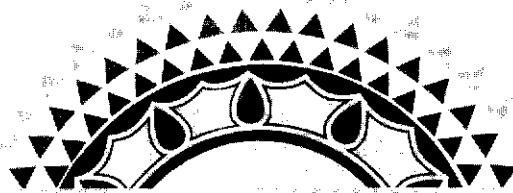
در حاشیه این مراسم فستیوالی ویژه از غذاهای ایرانی در نظر گرفته شده بود.

گفتنی است درنطاق افتتاحیه نخست‌وزیر هند در کنفرانس بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها تمام این مراسم همراه با احترامی خاص به زرتشتیان هند، مورد اشاره قرار گرفت.

ذکر این نکته هم جالب است که در سال ۱۹۹۲ نخست‌وزیر تاجیکستان در سفری همراه با ۲۹ نفر از وزرا و مقامات ارشد حکومتی به هندوستان گفت: "من می‌توانستم در اولین سفر رسمی وزیرای کابینه را به هر کشوری در جهان ببرم؛ اروپا، آلمان، آمریکا و... اما آنها را به هند آوردم چون برادران و خواهران زرتشتی ما در اینجا زندگی می‌کنند."

\*\*\*

ایالات متحده آمریکا کشور دیگری بود که شهرهای مختلف آن شاهد مراسم تجلیل از فرهنگ زرتشتی بود.



## مراسم سال نو مسیحی در فرهنگسرای هنر

شورای خلیفه‌گری ارامنه کاتولیک به مناسبت ولادت حضرت عیسی (ع) و سال نو میلادی شنبه، ۲۰ دی ماه با همکاری مسوولان فرهنگسرای هنر مراسم جشنی برگزار کرد. این مراسم که قرار بود روزهای نخستین سال نو برپا شود، به دلیل واقعه دلخراش زلزله بم و همدردی با مردم داغ‌دیده این شهرستان چند روزی به تعویق افتاد.

سخنرانان این مراسم ابتدا مدیر فرهنگسرا و مسوولان برنامه و سپس اسقف نشان کاراکهایان بودند که وی ضمن تسلیت به بازماندگان زلزله بم، برای آنان آرزوی صبر و برای از دست رفتگان طلب آمرزش کرد و سپس درخصوص ارتباط بسیار نزدیک بین اسلام و مسیحیت گفت: "ما مسیحیان و مسلمانان دلایل فراوانی برای دوست داشتن و احترام گذاشتن به یکدیگر داریم. همه ما فرزندان خدای یگانه هستیم که ما را آفریده، محبت‌های بی‌کران خود را به ما ارزانی داشته و آنگاه که توبه کرده‌ایم گناهان ما را بخشیده است."

اسقف کاراکهایان صحبت‌های خود را با این عبارات به پایان رساند: "چه خوب بود اگر دیوارهای جهل فرو می‌ریخت و ما انسان‌ها با زندگی طبق ایمان و اعتقادات خود می‌توانستیم جهانی بسازیم که با دوست داشتن و احترام گذاشتن به یکدیگر در آسایش و صلح زندگی کنیم." در ادامه این مراسم گروه کر کلیسای ارامنه کاتولیک و کلیسای مینپاس مقدس چند سرود مذهبی درباره ولادت حضرت مسیح اجرا کردند. نمایش قسمت‌های گوناگون از فیلم بشارت منجی از بخش‌های دیگر این مراسم بود.

### با مشارکت مؤسسه گفت‌وگوی ادیان در آلمان برگزار شد:

## همایش برنامه‌ای

## برای تربیت دینی مسلمانان در غرب

همایش "برنامه‌ای برای تربیت دینی مسلمانان در غرب" از ۲۳-۲۱ ژانویه (اول تا سوم بهمن) در دانشگاه اسنابروک آلمان برگزار شد.

مؤسسه گفت‌وگوی ادیان به‌عنوان یکی از برگزارکنندگان، یا دو نماینده

- آقایان دکتر محمدرضا بهشتی

و حجت‌الاسلام والمسلمین مقدم- در این همایش حضور داشت و طی آن موضوع تعلیمات دینی برای دانش‌آموزان مسلمان در مدارس آلمان مورد بحث قرار گرفت.

دکتر بهشتی پس از بازگشت به ایران درباره وضع فعلی آموزش دینی در مدارس آلمان گفت: هم‌اکنون آموزش دینی در آلمان داوطلبانه است یعنی والدین تصمیم می‌گیرند که فرزندان‌شان در کلاس تعلیمات دینی شرکت کنند یا به جای آن درس اخلاق و فلسفه را انتخاب کنند و بسته به اینکه در هر ایالت کدام مذهب غالب باشد،

درس تعلیمات دینی با همکاری کلیساهای کاتولیک یا پروتستان انجام می‌شود. وی درباره آموزش دینی اقلیت‌ها در آلمان می‌گوید: اقلیت کوچک یهودی‌ها در آلمان از وضعی ویژه برخوردارند و سابقه‌ای بیش از چند دهه در آموزش دینی دارند، اما در مورد مسلمانان این آموزش به صورت رسمی در مدارس انجام نمی‌گیرد، بلکه در مراکز دینی آنها صورت می‌پذیرد.

بهشتی درباره شیوه‌های مختلف آموزش دینی در این کشور می‌افزاید: در آلمان ایالت‌های مختلف شیوه‌های گوناگونی در پیش می‌گیرند مثلاً در هامبورگ آموزش دینی به صورت بین‌الادبانی است، یعنی هر دینی می‌تواند خود را معرفی کند و در تهیه مواد آموزشی و موضوعات پیرامونی با پیروان سایر ادیان مشارکت دارند؛ یا در ایالتی که همایش در آن برگزار شد، گرایش

بیشتری وجود دارد تا درس مستقلی مخصوص دانش‌آموزان مسلمان در نظر گرفته شود و با پایه‌های حقوقی و قوانین این ایالت هم‌سازگاری بیشتری دارد.

وی درباره طرح ارائه شده توسط طرف ایرانی گفت: طرح ما ناظر به شیوه آموزش بین‌الادبانی بود. ما معتقدیم لاقط در مقطع دبیرستان این شیوه بهتر است و باعث می‌شود تا دانش‌آموزان اقلیت که معمولاً تصویری غیر از آنچه هست از دین‌شان ارائه می‌شود، جوی سالم از همزیستی با پیروان سایر ادیان

را تجربه کنند، ضمن اینکه این شیوه در هامبورگ تجربه شده و بازتاب مثبتی داشته است.

تهیه منابع آموزشی با توجه به طیف گسترده مذاهب اسلامی، کمبود معلم و بازآموزی و تربیت معلم مطابق استانداردهای آموزشی آلمان مواردی هستند که وی به‌عنوان چالش‌های رویاروی این طرح از آنها یاد می‌کند.

بهشتی در پاسخ به این پرسش که این موضوع صرفاً در آلمان مطرح است یا در سایر کشورهای اروپایی هم موضوعیت دارد، گفت: آموزش دینی برای مسلمانان مسأله روز اروپاست و به ویژه کشورهای

که جمعیت مسلمانان در آنها بیشتر است توجه خاصی به آن دارند، اما آلمان این مسأله را نسبت به سایرین جدی‌تر گرفته است و به نظر می‌رسد قصد دارد این کار را به صورت نمونه انجام و در صورت موفقیت آن را تعمیم دهد. گفتنی است که در این همایش علاوه بر متخصصان آلمانی و نمایندگان مسلمانان این کشور، آقایان حسن حنفی از دانشگاه الازهر، احمدفتح‌الله ابوزید از مصر، محسن‌اکباس از دانشگاه چنک قلعه ترکیه و پروفیسور السیدالشاهد از انژیس نیز حضور داشتند.

طبق آمار سال ۱۹۹۸، بیش از ۳/۵ میلیون نفر مسلمان ترک در آلمان حضور دارند، نیز ۵۳۷ هزار دانش‌آموز مسلمان در این کشور مشغول به تحصیل هستند که از این تعداد حدود ۱۴ هزار نفر ایرانی هستند.





## رئیس‌جمهور در جشن "ایلانوت" مطرح کرد نقش ممتاز یهودیان در حفظ و گسترش تمدن بشری



به دلایلی اقدام به مهاجرت از ایران کردند و برآورد جمعیت فعلی این جامعه به چیزی حدود ۲۵ هزار نفر می‌رسد و نباید از نظر دور داشت که به دلیل تلاش‌های به عمل آمده در جهت رفع موانع و مشکلات، از اوایل دهه هفتاد شاهد کندی روند مهاجرت بودیم. این جامعه از نظر جمعیت، کوچک، ولی از نظر عشق به ایران بزرگند، طی تاریخ طولانی اقامت در این سرزمین فراز و نشیب‌های بسیاری را آزمایش کرده‌اند و چه‌بسا در زمان‌هایی در خطر نابودی کامل قرار داشته‌اند ولی یک معجزه در واپسین لحظات به نجات آن انجامیده است. معجزه‌ای که چیزی جز فرهنگ و خصوصیات ذاتی و روحی ملت ایران و یاری خداوند نبوده است. برشمردن فعالیت‌هایی که در اثر پیگیری‌های رئیس‌جمهور منجر به بهبود وضع اجتماعی اقلیت‌ها و به ویژه یهودیان شده است، بخش دیگری از سخنان معتمد را شامل می‌شد.

وی در این قسمت به مواردی نظیر: تدوین لایحه برابری دین اقلیت‌های دینی کشور با مسلمانان، تشکیل کمیسیون ویژه‌ای جهت بررسی و حل مشکلات اقلیت‌های دینی زیر نظر معاونت پارلمانی و حقوقی رئیس‌جمهور، رفع مشکلات موجود در ارتباط با استخدام نیروهای اقلیت دینی در سازمان‌ها و ادارات دولتی، رفع محظورات موجود در استخدام اقلیت‌ها به صورت کادر دبیر و معلم، تخصیص بودجه برای جوامع اقلیت دینی، رفع مشکلات سفر یهودیان به خارج از کشور و واگذاری زمین جهت احداث مجموعه‌های فرهنگی و مذهبی کلیمیان ایران اشاره کرد و از مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که در تحقق این موارد همکاری داشته‌اند، تشکر و قدردانی کرد.

هارون یشایایی نیز سخنان خود را با ابراز همدردی ایرانیان یهودی با مردم زلزله‌زده بم آغاز کرد و از همکاری یهودیان در تجدید بنای بم با سایر نهادها خبر داد.

وی حضور رئیس‌جمهور در جمع یهودیان را نشانه موفقیت وی در زمینه گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها و اصل مردم‌سالاری دینی دانست و گفت: شاید تاکنون تحقق آرمان‌های مردم و امام راحل به طور کامل میسر نشده باشد، ولی طرح شعار گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها میدان عمل پیدا کرد و با انعکاس در سازمان ملل جهانی شد که سهمی

می‌گیرد هم ظلم مضاعفی است که به اسلام منتسب می‌کنند.

رئیس‌جمهور جشن ایلانوت را نشان‌دهنده ذوق و بینش خوب یهودیان خواند که همانند نوروز نشانه ذوق ممتاز ایرانی است و یهود، مسیحی و مسلمان ایرانی در آن اشتراک دارند.

\*\*\*

در این مراسم پیش از سخنان رئیس‌جمهور هارون یشایایی (رئیس انجمن کلیمیان تهران) و موریس معتمد (نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی) نیز سخنانی ایراد کردند.

موریس معتمد، نماینده کلیمیان در مجلس با اشاره به انتظار دوساله جامعه کلیمیان ایران برای دیدار و گفت‌وگو با رئیس‌جمهور گفت: این افتخار شاید برای اولین بار در طول تاریخ ۲۷۰۰ ساله اقامت یهودیان در این سرزمین، نصیب این جامعه عاشق ایران شده و توانسته‌اند ریاست مملکت را در جمع خود و در کنیسه‌ای خود ببینند که آن را ناشی از روحیه تعامل و احترام به ادیان و ملل از طرف کسی می‌دانیم که به‌عنوان طراح سال گفت‌وگوی تمدن‌ها و سال گفت‌وگوی ادیان در سرتاسر جهان شناخته شده است.

وی در ادامه وضع جمعیتی کلیمیان ایران را چنین توصیف کرد: جامعه کلیمیان ایران قبل از انقلاب دارای جمعیتی حدود ۱۰۰ هزار نفر بوده که

شامگاه یکشنبه نوزدهم بهمن ماه، کنیسه یوسف‌آباد تهران و جامعه کلیمیان ایران میزبان حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدخاتمی، رئیس‌جمهوری ایران بود تا جشن مذهبی و باستانی ایلانوت با حضور وی برگزار شود.

رئیس‌جمهور در این مراسم با ایراد سخنانی ابتدا به نقش یهودیان در حفظ و گسترش فرهنگ و تمدن بشری اشاره کرد و گفت: مطرح شدن سؤال "نسبت میان عقل و وحی" و "دین و فلسفه" به فیلون (فیلسوف یهودی) بازمی‌گردد، فیلون نقطه اتصال فلسفه غرب و شرق است و او بود که فلسفه را به دین نزدیک کرد.

خاتمی در ادامه گفت: یهودیان در ایران نقش ممتازی داشته‌اند و در تکوین آنچه فلسفه اسلامی نامیده می‌شود، برخی از یهودیان هم سهیم هستند.

وی خطاب به کلیمیان حاضر در جلسه گفت: ما به کمک هم تمدن اسلامی را ساختیم و ایران را حفظ کردیم و در سراسر ایران، یهودیان یکی از پایه‌های تمدن بوده‌اند. یهودیان دین خود را حفظ

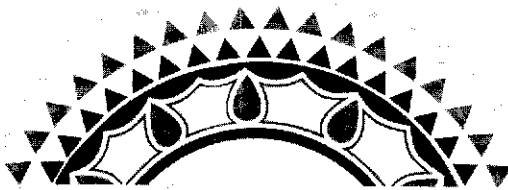
کرده و این انعطاف‌پذیری را هم داشته‌اند با فرهنگ غالب کشوری که در آن می‌زیستند نه تنها همسو شوند، بلکه در تقویت آن نیز بکوشند.

خاتمی با اشاره به استعداد یهودیان در علم و دانش و گسترش ادبیات اظهار داشت: پیشینه همزیستی یهودیان و ایرانیان ۲۷۰۰ سال است و یهود همواره یکی از پناهگاه‌های امن خود را ایران یافته است.

رئیس‌جمهور در ادامه افزود: مسلمان، یهودی و مسیحی ایرانی در ایرانی بودن همانند اصل وحدانیت و خداپرستی مشترک هستند. یکی از ویژگی‌های یهودیان ایران این است که مکان‌های مقدس و حتی زندگی آنان در کنار کانون‌های محوری مسلمانان بوده و این نشان به هم آمیختگی این دو دین و زندگی پیروان آنهاست.

خاتمی در پایان به مشکلات سیاسی جامعه یهود اشاره کرد و گفت: به یهود در دنیا ستم شده است و آخرین نمونه ظلم را غرب نسبت به این قوم روا داشته و یهودستیزی، مثل فاشیسم محصول غرب است.

وی تصریح کرد: آنچه در فلسطین می‌گذرد به هیچ وجه به حساب یهودی و مسلمان نیست، بلکه ناشی از یک گرایش نژادپرستانه است که هم به فلسطین ظلم می‌کند و هم به دین یهود و حضرت موسی (ع)، همچنان که حرکت‌های تروریستی زشت و پلیدی که به نام اسلام صورت



## جهان اسلام، فرصت‌ها و چالش‌ها

همایش بین‌المللی "جهان اسلام، چالش‌ها و فرصت‌ها" اول و دوم دی‌ماه در محل دفتر مطالعات وزارت امور خارجه و با شرکت گروهی از متفکران و صاحب‌نظران اسلامی برگزار شد. در این سمینار دو روزه که با سخنرانی حجت‌الاسلام خاتمی رئیس‌جمهور افتتاح و با سخنرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خاتمه یافت، سخنرانان با ارائه مقالات به شرح مهم‌ترین بحران‌ها و چالش‌های پیش روی جهان اسلام پرداختند و راه‌حل‌های متفاوتی را برای خروج جامعه اسلامی از بحران‌های حاضر ارائه دادند.

اکثر قریب به اتفاق سخنرانان که بجز تعدادی معدود، از شخصیت‌های ناشناخته در جهان اسلام بودند با تأکید بر اشغال عراق و افغانستان و نیز مسأله فلسطین، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جهان اسلام را خصومت و دشمنی غرب به ویژه آمریکا و اتهام تروریسم به جامعه اسلامی دانستند. سخنرانان متفق‌القول بودند که هجوم یکپارچه و هماهنگ جهانیان به مسلمانان و کشورهای اسلامی آنها را در موقعیتی بسیار سخت قرار داده است و ضربه‌های وارد شده بر بیکر جهان اسلام از سوی بیگانگان شرایطی نابرابر و ناعادلانه فراهم کرده است. این در حالی است که صادق‌المهدی در گفت‌وگو با اخبار ادیان، مهم‌ترین چالش پیش روی جامعه اسلامی را مشکلات داخلی و درون دینی خواند و متذکر شد جهان اسلام تنها در صورتی می‌تواند بر مشکلات بیرونی خود فائق آید که بتواند مشکلات داخلی خود را حل کند. وی همچنین در پاسخ به سؤالی درباره چگونگی تطبیق شریعت اسلامی با مفاهیم حقوق بشر گفت: به نظر من هیچ نکته خاصی در مفاهیم و مقررات حقوق بشر وجود ندارد که اسلام از آن غفلت کرده باشد و اگر به اسلام درست نگریسته شود تمامی قوانین موجود در نظامنامه حقوق بشر در بطن شریعت اسلامی نیز گنجانده شده است.

چاندرا مظفر، متفکر و نویسنده مالزیایی نیز در گفت‌وگویی اختصاصی ضمن تأکید بر توجه ویژه به مشکلات درونی جهان اسلام گفت: ما در بسیاری از مفاهیم خود نیازمند تجدیدنظر هستیم و دین اسلام باید خود را با مفاهیم جدید تطبیق دهد که البته فکر می‌کنم رئیس‌جمهور خاتمی یکی از بهترین افرادی است که می‌تواند پیشگام چهره جدید اسلام باشد.

کبیری اهل کشور تاجیکستان با انتقاد از سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده در سمینار گفت: متأسفانه در این سمینار نیز مانند دیگر نشست‌های جهان اسلام تنها به ذکر شعارهای سیاسی اکتفا و بار تمام بحران‌های موجود در جامعه اسلامی به دوش کشورهای غربی انداخته شد، در حالی که همه می‌دانند جهان اسلام پیش از آنکه دچار بحران‌های بیرونی باشد، از بحران‌های درونی در عذاب است و ما باید فکری به حال خود کنیم نه اینکه با شعارهای سیاسی خود را فریب دهیم و همه مشکلات را به گردن دیگران بیندازیم.

سمینار دو روزه اسلام، چالش‌ها و فرصت‌ها در حالی به پایان رسید که هنگام اذان مغرب شرکت‌کنندگان در سمینار در دو گروه جداگانه به نماز ایستادند. گروه شیعه به امامت یک امام شیعی و گروه سنی به امامت یک امام سنی و برخی نیز به صورت منفرد نماز خواندند، اگر چه برخی از افراد اهل تسنن در گروه شیعه به نماز ایستادند و برعکس.

حجت‌الاسلام نعمانی در پاسخ به خبرنگار اخبار ادیان که چرا یک نماز جماعت واحد برگزار نشد، ضمن انتقاد از این اتفاق گفت: ما تا وقتی نتوانیم در یک جمعیت کوچک همه در یک صف نماز بخوانیم چگونه می‌توانیم مشکلات بزرگ‌تر را حل کنیم؟ وی از این مسأله اظهار تأسف و تأکید کرد نباید دو گروه نماز می‌خواندند و همه شیعیان به فتوای امام خمینی باید با اهل تسنن در یک گروه نماز بخوانند.

کبیری نیز ضمن اظهار تأسف شدید از این اتفاق گفت: من از جمله افراد اهل تسنن بودم که در صف شیعیان نماز خواندم، اما می‌خواهم بگویم تا روزی که ما نتوانیم مشکل به این سادگی را بین خود حل کنیم چگونه می‌توانیم چالش‌های جهانی را پشت سر بگذاریم؟ او گفت باید شرایط به گونه‌ای باشد که مسلمانان شیعه و سنی با میل و رغبت در کنار هم نماز بخوانند نه از روی اکراه و با سختی و کراهت و من فکر می‌کنم که بزرگ‌ترین مشکل جهان اسلام مسأله درونی خود ماست نه حمله آمریکا و مشکل تروریسم.

از دستاوردهای انقلاب اسلامی برای مردم شریف در سراسر جهان است.

یشایایی هم با اشاره به همزیستی یهودیان و مسلمانان در ایران، گفت: در هیچ کجای دنیا مقابر و زیارتگاه‌های یهودیان چون ایران پابرجا و فعال باقی نمانده است. مقبره دانیال نبی، استرومردخای و زیارتگاه سارایت آش و چندین زیارتگاه دیگر در نقاط مختلف ایران حفظ شده و همواره مورد تکریم و احترام مسلمانان هموطن بوده است.

رئیس انجمن کلیمیان تهران در ادامه گفت: زندگی ما در شرایطی تداوم یافت که از یک سو تحت فشار توطئه باندهای صهیونیستی برای کوچاندن یهودیان از ایران- نظیر آنچه در عراق، یمن و انبوی اتفاق افتاد- بودیم و از سوی دیگر کج‌اندیشان تنگ‌نظر با نقاب تعصبات دینی آرمان‌ها و مقدسات یهودیان را به مسخره گرفته و تهمت‌های ناروا به آنان روا می‌داشتند و ما همه این مشکلات را در دامان پرمهر ملت بزرگوار ایران و حسن نیت روحانیون محترم شیعه و با اتکا به فرهنگ توحیدی یهود تحمل کردیم.

یشایایی هم در سخنان خود به مسائل منطقه و فلسطین پرداخت و گفت: ما می‌دانیم مسوولان و مدیران دولت اسرائیل طی سال‌های متمادی، بسیاری از مصوبات سازمان ملل و شورای امنیت را نادیده گرفته و روابط خود را با همسایگان برپایه زور و تفوق نظامی بنا نهاده‌اند. با این همه یقین داریم زندگی برادرانه مسلمانان، یهودیان و مسیحیان در تمام کشورها و از جمله اسرائیل امکان‌پذیر و در جهت منافع ملت‌های منطقه است و دولتمردان اسرائیل مجبور خواهند شد به خواست افکار عمومی و مصوبات نهادهای بین‌المللی تن دهند و حقوق مردم فلسطین را به آنها بازگردانند. وی تصریح کرد: دور باطل انتقام‌جویی، کشتار و خشونت هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد و راه به جایی نخواهد برد و فقط مردم بی‌گناه هستند که در این معرکه پایمال می‌شوند.

گفتنی است "ایلانوت" جشن تقدیس و بزرگداشت درختان و گیاهان در دین یهود است. در شب و روز ایلانوت یهودیان میوه درختان را با خواندن دعاهای مخصوص می‌خورند و خداوند را سپاس می‌گویند.

زیتون، خرما، انگور، انار، انجیر، جو و گندم میوه‌هایی هستند که مصرف آنها در این روز از اهمیت خاصی برخوردار است. فلسفه کلی این مراسم برکت دادن به محصولات درختی و زمینی است و یهودیان با دعا خداوند می‌خواهند درختان سال آینده هرچه پرثمرتر شوند.